

گزارش «وطن امروز» از الگوی اقتصادی رهبر شهید انقلاب برای رهایی از وابستگی نفتی و تقویت تولید ملی

## نسخه تولید برای ایران قدرتمند

چهارشنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۵ | ۱۶ محرم ۱۴۴۸ | اول جولای ۲۰۲۶ | سال هجدهم | شماره ۴۶۸ | صفحه ۱ | هزار تومان



گزارش «وطن امروز» درباره ابعاد مدیریت ایران بر تنگه هر مز و اهمیت آن برای افزایش قدرت ملی

## هم بازدارندگی هم درآمدزایی

صفحه ۲ | VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4648 | WED.JUL.01,2026 | ISSN:2008-2886 | ۱۹۱ سال و ۳۰۳ روز گذشت

تیتر های امروز



نقدی بر اظهارات محمود سریع القلم اگر عکس با ایلان ماسک توسعه می آورد دیدار با جولانی چه می آورد؟

## دلک توسعه

همین صفحه

سر کوب و فشار حکومت بحرین علیه شیعیان تشدید شده است

## آل خلیفه

## در مسیر سرنگونی

صفحه ۲

## اروپایی‌ها

## در هراس از آمریکا

نگاه



مهدی حسینی

وضعیت رابطه اروپا و آمریکا دیگر موضوعی نیست که بتوان از وجود اختلاف سخن گفت، بلکه اینک بحث از سطح اختلاف و تلاش برای بیشتر نشدن آن است. تقریباً به صورت روزانه توصیه‌ها و توصیفاتی برای اروپا منتشر می‌شود که می‌کوشد مسیر این قاره را بدون آمریکا تصویر کند. دو ماهنامه «فازن افروز» در یکی از آخرین گزارش‌های خود به این مساله پرداخته و تلاش می‌کند مسیر جدایی اروپا از آمریکا و درک جدیدی را که قاره سبز از جهان جدید دارد، به نمایش بگذارد؛ جهانی که در آن آمریکا نه تنها دیگر یک متحد نیست، بلکه می‌تواند یک رقیب خطرناک برای متحد دیرین خود هم باشد و در جهان جدید حتی اروپا هم باید برای جنگ آماده شود. مجله آمریکایی از این نقطه آغاز می‌کند که اروپا بدل به قاره‌ای تحقیر شده برای آمریکا شده است: «اروپایی‌ها از زمانی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا سال ۲۰۲۵ به قدرت بازگشت، تحقیر، بی‌اعتبار و به حاشیه رانده شده‌اند. در واقع، اغراق نیست اگر گفته شود اروپا به کیسه بوکس محبوب رئیس‌جمهور آمریکا تبدیل شده است. دولت او بر این باور است این قاره از نظر نظامی، حیثیت، از نظر اقتصادی بی‌اهمیت، از نظر سیاسی ناتوان و از نظر فرهنگی محکوم به محو تمدن است. تلاش ترامپ در سال ۲۰۲۵ برای وادار کردن دانمارک به واگذاری گریبلنده، نمادی از نگاه تحقیرآمیز دولت او بود».

این وضعیت موجب شده اروپا تلاش کند عمیقاً چشم‌انداز سیاسی و نظامی خود را تغییر دهد: «برای نخستین‌بار در چند دهه اخیر، اروپایی‌ها خطرهایی را که پیرامونشان را فراگرفته تشخیص داده‌اند. از همین رو آماده‌اند در منابع نظامی سرمایه‌گذاری کنند و در نیروهای مسلح کشورهای خود خدمت کنند. از دل این تغییرات، به آرامی راهبرد کلان تازمانی در حال شکل‌گیری است؛ راهبردی که از مسیر ژئوپلیتیک و راهبردی جدیدی برای اروپا حکایت دارد. اروپا در یافته است الگوی قدیمی‌اش، ثروت بدون قدرت نظامی، نفوذ بدون فداکاری و حمایت بدون تعهد، دیگر پایدار نیست».

به باور قارن افروز، نتایج نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد اروپایی‌ها اکنون از خواب بیدار شده‌اند: «بسی از دهه‌ها آسودگی خیال، اروپایی‌ها با این واقعیت بیدار شده‌اند که در جهانی خطرناک زندگی می‌کنند. بر اساس نظرسنجی‌ای که برای کمیسون اروپا انجام شده، ۷۷ درصد اروپایی‌ها معتقدند جنگ روسیه علیه اوکراین تهدیدی مستقیم برای بقای اروپاست.

ادامه در صفحه ۲

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

صفحه ۲

## اعتراف دبیرکل ناتو به همکاری اعضای این پیمان با آمریکا در جنگ تحمیلی علیه ایران

# شکست

# دسته‌جمعی

## عدالت؛ زیربنای سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌ای راهبردی در اقتدار ملی

ارتقای سلامت اداری و انسداد کامل مسیرهای نفوذ و سفارش، مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی موفقیت تحول قضایی خواهند بود. از سوی دیگر، روش‌شناسی اجتماعی نشان می‌دهد احساس عدالت، حتی گاه بیش از خود عدالت عینی، در شکل‌گیری اعتماد عمومی نقش دارد. شهروندان زمانی به نظام حقوقی اعتماد می‌کنند که باور داشته باشند قانون برای همه یکسان اجرا می‌شود و صاحبان قدرت، ثروت و نفوذ، از مصونیت برخوردار نیستند. هنگامی که مردم مشاهده کنند هیچ ارتباط مسیر اجرای قانون را تغییر دهد، احساس امنیت روانی و تعلق اجتماعی نیز تقویت خواهد شد. برعکس، هرگونه تصور از وجود تبعیض، زمینه‌ساز بی‌اعتمادی، کاهش مشارکت اجتماعی و گسترش بدبینی نسبت به نهادهای رسمی خواهد بود. در همین چارچوب، مفهوم عدالت نیز دیگر صرفاً به حل اختلافات فردی محدود نمی‌شود. در ادبیات حکمرانی نوین، عدالت دارای ابعاد گسترده‌تری است که حقوق اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را نیز در بر می‌گیرد. حق برخورداری از امنیت اقتصادی، فرصت‌های برابر، محیط زیست سالم، دسترسی عادلانه به منابع عمومی، حکمرانی کارآمد و صیانت از آزادی‌های مشروع، همگی بخشی از حقوق عمومی شهروندان محسوب می‌شود. بنابراین قوه قضائیه علاوه بر نقش سنتی خود در رسیدگی به دعاوی، مسئولیت مهمی در دفاع از حقوق عامه و مقابله با هرگونه تضییع حقوق عمومی دارد. در شرایط کنونی، این مسئولیت صرفاً به عرصه داخلی محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد بین‌المللی نیز یافته است. یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های حقوقی قضایی کشور، پیگیری خسارت‌ها و جنایاتی است که در جریان تجاوزات و اقدامات نظامی علیه ایران در سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ به ملت وارد شده است. از منظر روابط بین‌الملل، نظام حقوقی بین‌المللی

از مهم‌ترین تولیدکنندگان «اعتماد نهادی» محسوب می‌شود. اعتماد، سرمایه‌ای است که بدون آن هیچ سیاست عمومی، هیچ برنامه توسعه و هیچ راهبرد امنیت ملی نمی‌تواند به موفقیت پایدار دست یابد. تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد هر گاه مردم احساس کنند قانون بدون تبعیض اجرا می‌شود، فساد با قاطعیت مورد برخورد قرار می‌گیرد و امکان دستیابی برابر به عدالت وجود دارد، میزان مشارکت اجتماعی، سرمایه‌گذاری اقتصادی و همبستگی ملی نیز افزایش می‌یابد. در مقابل، هرگونه احساس تبعیض، رانت، سفارش یا بی‌عدالتی، به سرعت به فرسایش سرمایه اجتماعی و کاهش مشروعیت نهادی منجر خواهد شد. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، دستگاه قضا ستون تعادل هر نظام حکمرانی است. اگر قوه مجریه موتور حرکت کشور باشد و قوه مقننه چارچوب‌های قانونی را طراحی کند، قوه قضائیه ضامن حفظ قواعد بازی و جلوگیری از انحراف نظام اداری و سیاسی از مسیر عدالت است. به همین دلیل، انتظار جامعه از این نهاد صرفاً صدور احکام قضایی نیست، بلکه ایفای نقش فعال در اصلاح ساختارهای معیوب، مبارزه با فساد سازمان‌یافته، صیانت از حقوق عمومی و تضمین برابری شهروندان در برابر قانون است. تحول قضایی نیز زمانی معنا می‌یابد که از سطح اسناد، برنامه‌ها و شعارهای مدیریتی فراتر رود و آثار آن در زندگی روزمره مردم قابل مشاهده باشد. تحول واقعی زمانی شکل می‌گیرد که شهروند در نخستین مواجهه با دستگاه قضا، سرعت، دقت، سلامت، شفافیت و عدالت را تجربه کند. در ادبیات مدیریت تحول، موفقیت هر برنامه اصلاحی زمانی سنجیده می‌شود که «خروجی داخل کشور، بلکه یکی از مهم‌ترین باز یگران صیانت از منافع ملی و تثبیت جایگاه حقوقی جمهوری اسلامی ایران در محیط بین‌المللی به شمار می‌رود. در ادبیات نوین مدیریت حکمرانی، قوه قضائیه صرفاً یک نهاد رسیدگی‌کننده به دعوی نیست، بلکه یکی

هر چند با محدودیت‌ها و ملاحظات سیاسی مواجه است اما همچنان ظرفیت‌هایی برای پیگیری مسئولیت دولتی‌ها، مستندسازی جنایات و افزایش هزینه‌های حقوقی و سیاسی اقدامات غیرقانونی فراهم می‌آورد. در این چارچوب، ثبت دقیق خسارت‌های انسانی، اقتصادی، فرهنگی و زیربنایی، تشکیل بانک جامع اسناد، بهره‌گیری از ظرفیت حقوقدانان بین‌المللی، استفاده از سازوکارهای حقوق بشر دوستانه و پیگیری مستمر پرونده‌ها در مراجع داخلی و بین‌المللی، صرفاً یک اقدام قضایی نیست، بلکه بخشی از راهبرد کلان بازدارندگی ملی محسوب می‌شود. در ادبیات راهبردی، «بازدارندگی حقوقی» مکمل بازدارندگی نظامی است، زیرا نشان می‌دهد هیچ اقدام متجاوزانه‌ای بدون هزینه باقی نخواهد ماند. اهمیت این موضوع زمانی دوچندان می‌شود که برخی مقامات کشورهای متخاصم، نه تنها اقدامات خود را انکار نکرده‌اند، بلکه در مواردی به آنها اذعان یا حتی افتخار کرده‌اند. چنین موضعی، از منظر حقوق بین‌الملل می‌تواند بخشی از ادله اثبات مسئولیت دولت‌ها و عاملان جنایات تلقی شود و ظرفیت ارزشمندی برای تقویت پرونده‌های حقوقی ایجاد کند. از این رو، دستگاه قضا باید با رویکردی حرفه‌ای، مستمر و جسدا از هیجانات مقطعی، این مسیر را تا مرحله صدور و اجرای احکام دنبال کند. حتی اگر اجرای برخی احکام در کوتاه‌مدت با موانع سیاسی روبه‌رو باشد، استمرار این روند در بلندمدت به تثبیت روایت حقوقی ایران، افزایش هزینه سیاسی متجاوزان و تسکین‌گیری حافظه حقوقی بین‌المللی کمک خواهد کرد. از منظر مدیریت راهبردی نیز چنین پرونده‌هایی نباید به اقدامات مقطعی محدود شود، بلکه لازم است در قالب یک نظام منسجم و پایدار مدیریت شود. تشکیل ساختارهای تخصصی، هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی، امنیتی، دیپلماتیک و قضایی، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای مستندسازی و

## دلک توسعه

کرده؛ چه‌رایی که رهبری هیات تحریرالاشام را بر عهده دارد و پیشینه داعشی تکفیری و تروریستی‌اش عیان است. حالا اگر معیار توسعه، معاشرت باشد، اینجا تکلیف چیست؟ آیا دوربین توسعه‌سنج وقتی به ماسک می‌رسد، روشن می‌شود و وقتی به جولانی سابق می‌رسد، به طرز معجزه‌آسایی بتری تمام می‌کند؟! اگر ترکیه با یک میلیارد فناوری بنشیند، اسمش می‌شود آینده‌نگری؛ اگر با رهبر یک جریان مسلح برخاسته از جنگ سوریه مذاکره کند، اسمش می‌شود پیچیدگی سیاست خارجی؟! البته پاسخ روشن است؛ ترکیه از منظر منافع خود عمل می‌کند. گاهی با شرکت فناوری مذاکره می‌کند، گاهی با رئیس‌جمهور خودخوانده تروریست دمشق، گاهی با روسیه، گاهی با ناتو، گاهی با قطر، گاهی با اروپا. مساله این نیست که همه این روابط درستند یا غلط، مساله این است که سیاست خارجی را باید با منطق منافع، هزینه، دستاورد و توازن قوا سنجید، نه با خوش‌عکسی طرف ملاقات. همین جا

عکس یادگاری گرفته است. کشور را با نظام مالیاتی، مدرسه، دادگاه، منعت، شبکه برق، بروکراسی و ارتش اداره می‌کنند، نه با فهرست میهمانان شام رسمی. به! اردوغان در نیویورک با ماسک درباره احتمال تأسیس کارخانه تسلا در ترکیه، همکاری‌های قضایی، هوش مصنوعی و اساترلینک گفت‌وگو کرده است؛ بسیار هم خوب! ترکیه حق دارد برای منافع ملی خود با صاحبان فناوری و سرمایه مذاکره کند. هیچ عاقلی نباید از این بابت به ترکیه طعنه بزند اما از این دیدار نتیجه گرفتن که «بسی سطح فکر ترکیه بالاست» و سپس مقایسه آن با روابط منطقه‌ای ایران، بیشتر به مجله زرد دیپلماسی شباهت دارد تا نظریه توسعه. دیدار با ماسک ممکن است فرصت اقتصادی باشد، ممکن است نمایش سیاسی باشد، ممکن است هر دو باشد اما به تنهایی نه کشوری را توسعه‌یافته می‌کند، نه سطح فکر یک دولت را اثبات! طنز ماجرا آنجاست که همان ترکیه در دمشق با احمد الشریع با همان ابومحمد الجولانی سابق دیدار

دیدگاه

فاطمه یوسفی

باز هم جناب سریع‌القلم لب به سخن گشود و از یکی دیگر از نسخه‌های شیک و اتوکشیده خود برای فهم توسعه رونمایی کرد که خلاصه‌اش این است: «توسعه هر کشور به دوستانش بستگی دارد؛ اردوغان با ایلان ماسک و بیل گیتس معاشرت کرد، ما با حشدالشعبی و حوثی‌ها؛ اینکه ما با کی معاشرت می‌کنیم، نشان‌دهنده سطح فکر ماست». این گزاره برای تحلیل علمی، بیشتر شبیه آن است که کسی کیفیت یک دانشگاه را از روی مدل کت رئیس آن قضاوت کند!

افای سریع‌القلم رابطه را با معاشرت و نمادین اشتباه گرفته؛ توسعه از کیفیت نهادها، ظرفیت دولت، آموزش، تولید، نظام حقوقی، ثبت سیاست‌گذاری، انباشت سرمایه، امنیت، مشروعیت داخلی و موقعیت ژئوپلیتیک می‌آید، نه از اینکه رئیس‌جمهور یک کشور با چه کسی

هوش مصنوعی در تحلیل داده‌های حقوقی و ایجاد شبکه‌ای از همکاری‌های علمی و حقوقی با مراکز معتبر بین‌المللی می‌تواند ظرفیت کشور را در این عرصه به شکل قابل توجهی افزایش دهد. البته تحقق همه این اهداف، پیش از هر چیز مستلزم اصلاح مستمر درون‌سازمانی است. هیچ نهادی نمی‌تواند بدون ارزیابی مداوم عملکرد، اصلاح فرآیندها، ارتقای سرمایه انسانی و توسعه فرهنگ پاسخگویی، نقش مؤثر خود را در حکمرانی حفظ کند. سازمان‌های موفق، همواره پیش از مطالبه اصلاح از دیگران، خود را در معرض اصلاح قرار می‌دهند. این اصل درباره قوه قضائیه اهمیت مضاعف دارد، زیرا اعتبار آن، پشتوانه اجرای قانون در سراسر کشور است. در نهایت، عدالت تنها یک مفهوم حقوقی یا اخلاقی نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت ملی و امنیت پایدار محسوب می‌شود. جامعه‌ای که به عدالت اعتماد دارد، نه برابر تهدیدهای خارجی نیز از انسجام بیشتری برخوردار خواهد بود و سرمایه اجتماعی آن، قدرت نرم کشور را تقویت خواهد کرد. از همین رو، استمرار مسیر تحول قضایی، مبارزه بی‌امان با فساد، صیانت از حقوق مردم، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، افزایش شفافیت و پیگیری حقوق ملت ایران در عرصه بین‌المللی، نه صرفاً یک مأموریت سیاسی است، بلکه بخشی از راهبرد کلان حکمرانی برای حفظ اقتدار، مشروعیت و آینده کشور است. اگر دستگاه عدالت بتواند همزمان مأمّن مظلومان در داخل و مدافع حقوق ملت ایران در عرصه بین‌المللی باشد، علاوه بر تحقق رسالت ذاتی خود، مهم‌ترین سرمایه هر نظام سیاسی یعنی «اعتماد عمومی» را نیز تقویت خواهد کرد؛ سرمایه‌ای که بدون آن، هیچ برنامه توسعه، هیچ سیاست امنیتی و هیچ الگوی حکمرانی پایداری شکل نخواهد گرفت. عدالت، در این معنا، نه ابان یک فرآیند قضایی، بلکه آغاز شکل‌گیری جامعه‌ای منسجم، امیدآفرین و برخوردار از سرمایه اجتماعی پایدار است.

به بعد نقش تعیین‌کننده‌ای در مسائل جهانی ایفا کرده‌اند. حوثی‌ها یک باور قوی عجیب در سیاست منطقه نیستند، بلکه باز یگری‌اند که امنیت انرژی، تجارت، جنگ غزه، نظم دریایی و موازنه منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار داده و در آن نقش تعیین‌کننده دارد.

این ویژگی یک ذهن غرب‌زده و افسرگراست که سعی دارد به جای تحلیل علمی پدیده‌ها، آنها را بر حسب ظاهر و نام‌هایی که دارند، ارزش‌گذاری کند. این شیوه بیشتر مناسب جدل سیاسی است تا تحلیل؛ در حالی که از یک استاد( علوم سیاسی انتظار می‌رود بحث کند هر کدام چه نوع باز یگری‌اند، از چه زمینه‌ای بر خاسته‌اند، چه ظرفیت بسیج اجتماعی و نظامی‌ای دارند، با دولت مرکزی چه نسبتی دارند، چه اثری بر امنیت منطقه می‌گذارند، رابطه با آنها برای ایران چه هزینه‌ها و دستاوردهایی دارد و اینکه این رابطه تا چه اندازه به افزایش قدرت چانه‌زنی ایران منجر شده است.

ادامه در صفحه ۲